

عملکرد آمریکا در خلع سلاح شیمیایی سوریه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰	قدرت احمدیان ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۵	زهرا بهرامی ^۲
صفحات مقاله: ۱۹۹ - ۲۲۷	

چکیده:

سوریه از ژانویه‌ی ۲۰۱۱ درگیر بحران داخلی است که با مداخلات بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و اعلام استفاده از تسلیحات شیمیایی تشدید شد. در پی آن آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های مداخله‌گر خارجی در این بحران، سوریه را تحریم و این کشور را تهدید به حمله‌ی نظامی محدود نمود، اما بعد از گذشت مدتی ایالات متحده، طرح روسیه برای پیوستن سوریه به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و نابودی تسلیحات و مواد شیمیایی را پذیرفت و در فرآیند آن نقشی اساسی ایفا نمود. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از این‌که «عملکرد آمریکا در خلع سلاح شیمیایی سوریه چه تأثیری در درک رژیم‌های بین‌المللی به‌ویژه رژیم خلع سلاح شیمیایی داشته است؟» در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، سایت‌ها و منابع در دسترس دیگر ضمن توضیح نظریه‌ی نئورئالیسم در درک این مسأله، تبیین عملکرد آمریکا در فرآیند بحران سوریه و خلع سلاح شیمیایی آن و تحلیل اهداف و انگیزه‌های ایالات متحده از این امر پرداخته است؛ و در نهایت، به این نتیجه ختم شد که پیگیری اهداف ملی از سوی آمریکا و حمایت از رژیم صهیونیستی در بحران و خلع سلاح شیمیایی سوریه، رویکرد نئورئالیستی را از درک رژیم‌های بین‌المللی تقویت نموده است.

* * * * *

واژگان کلیدی

عملکرد آمریکا، خلع سلاح شیمیایی سوریه، رویکرد نئورئالیستی، رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح، رژیم صهیونیستی، بازدارندگی.

۱ - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی با گرایش صلح و امنیت، دانشکده روابط بین‌الملل.

مقدمه

جرقه‌ی بحران سوریه در شهر مرزی درعا در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۱ با شعارنویسی چند دانش‌آموز نوجوان علیه نظام حاکم زده شد. (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۵۸) این اقدام با واکنش نامناسب دولت سوریه مواجه شد و بعد از آن درگیری‌ها افزایش یافت که با دخالت بازیگران داخلی و بین‌المللی و ایجاد یک بحران تمام‌عیار ملی بقای دولت مستقر را تهدید نمود که در ادامه در آگوست ۲۰۱۳ رسانه‌های غربی و مخالف دولت سوریه گفتند که دولت سوریه از سلاح‌های شیمیایی در جنگ داخلی در جهت سرکوب مخالفان استفاده نموده است. این مسأله به بحران سوریه ابعاد تازه‌ای بخشید و منجر به گسترش مداخلات بازیگران خارجی شامل آمریکا، روسیه، سازمان ملل و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی گردید.

آمریکا در واکنش به این بحران در گام اول، سوریه را تحریم کرد و بعد از اوج گرفتن جنگ رسانه‌ای، این کشور را تهدید به حمله‌ی نظامی محدود نمود، اما این تهدید با طرح روسیه در مورد خلع سلاح شیمیایی سوریه به حاشیه رفت و در نهایت در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ آمریکا و روسیه اعلام نمودند که بر اساس توافق صورت گرفته، سوریه باید میزان سلاح‌های شیمیایی خود همراه با سخت‌افزارهای نظامی و زیرساخت‌های خود را در عرض یک هفته اعلام نماید و بر اساس یک جدول زمان‌بندی شده به از بین بردن مواد شیمیایی و سایر امکانات آن مبادرت نماید.

البته این پایان ماجرا نبود. با وجود این که روسیه و آمریکا واقف بودند که سوریه توان نابودسازی این سلاح‌ها و تجهیزات را در مدت زمان کوتاه ندارد، اما این کشور را در فشار زمانی قرار دادند (بر خلاف روح کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی) و در نهایت، به دلیل ناتوانی دولت سوریه، ایالات متحده مسئولیت نابودسازی سلاح‌ها و ذخایر شیمیایی سوریه را بر عهده گرفت. چنین به نظر می‌رسد که ایفای این نقش توسط آمریکا در سوریه بیش از آن که بر ملاحظات صلح‌جویانه استوار باشد، در جهت تأمین منافع این کشور و حمایت از رژیم صهیونیستی به عنوان متحد راهبردی خود بوده است که این امر منجر به تقویت رویکرد

نئورئالیسم در درک رژیم‌های بین‌المللی خواهد شد؛ زیرا نوع برداشت از رژیم‌ها متناسب با منافع ملی دولت‌ها تغییر می‌کند و اولویت با منافع ملی می‌باشد که در مورد نقش بازیگران درگیر در بحران سوریه به اختصار به‌عنوان پیشینه‌ی تحقیق به بعضی از مقالاتی که در این زمینه به رشته‌ی تحریر در آمده‌اند، می‌پردازیم:

مقاله‌ی امیر ساجدی با عنوان "بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه" که نویسنده در این اثر با بیان ریشه‌های بحران سوریه، علل اصلی را در محرومیت و فقر گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه می‌داند که از عدم پاسخگویی صحیح و کارآمد مطالبات آنها از سوی رژیم‌های حکومتی سرچشمه گرفته است و دلیل دخالت قدرت‌های بیگانه را موقعیت حساس جغرافیایی و راهبردی سوریه بیان می‌کند. (ساجدی، ۱۳۹۲)

در ادبیاتی دیگر، سید امیر نیاکویی و حسین بهمنش در مقاله‌ای با عنوان "بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها"، اشاره می‌نمایند که با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه در منطقه‌ی خاورمیانه جهت‌گیری‌های مختلفی داشتند و برخی با اعمال فشار در صدد ساقط نمودن حکومت اسد برآمدند که از جمله‌ی آنها آمریکا، عربستان و ترکیه می‌باشند که تأثیرگذارترین بازیگران در جبهه‌ی معارضان سوریه محسوب می‌گردند. نویسندگان در ادامه به بررسی نقش و انگیزه‌ی اصلی دولت‌های مذکور می‌پردازند. (نیاکویی، بهمنش؛ ۱۳۹۱)

البته باید اشاره نمود که هیچ‌کدام از موارد بالا بحث خلع سلاح شیمیایی و نقش آمریکا در این بحران را به روشنی مورد بررسی قرار نداده‌اند. از سوی دیگر، مقاله‌ی ساعد نادر با عنوان "خلع سلاح شیمیایی سوریه، مبانی و چشم‌انداز حقوقی" از جمله دیگر آثار می‌باشد که به بررسی حقوقی توافقنامه‌ی روسیه و آمریکا و قطعنامه‌ی شورای امنیت در خصوص بحران سوریه و خلع سلاح شیمیایی در آن پرداخته است. (ساعد؛ ۱۳۹۲)

نوآوری پژوهش حاضر آن است که به‌صورت مستقل به بررسی نقش آمریکا در خلع سلاح شیمیایی سوریه پرداخته است و در صدد است تا اهداف حقیقی آمریکا را نمایان

ساخته و بررسی نماید که چگونگی ایفای نقش ایالات متحده به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل چه رویکردی را در درک رژیم‌های بین‌المللی تقویت می‌نماید؟ در واقع، فرض بر آن است که عملکرد و اهداف ایالات متحده در بحران سوریه رویکرد نئورئالیستی را در درک رژیم‌های بین‌المللی تقویت می‌نماید؛ چرا که شواهد نشان می‌دهد برای این کشور چیزی جز کسب منافع خود و متحدانش اهمیت ندارد؛ و آنچه به رفتارها و سیاست‌ها بین‌الملل آن جهت می‌دهد منافع ملی و حمایت از متحدان آن می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر در مرحله‌ی اول به تبیین عملکرد آمریکا در فرآیند بحران سوریه و خلع سلاح شیمیایی این کشور می‌پردازد و در مرحله‌ی بعد به توضیح اهداف و انگیزه‌های ایالات متحده از دخالت در خلع سلاح شیمیایی سوریه پرداخته است و پس از آن با بررسی نحوه‌ی عملکرد مذکور در فرآیند خلع سلاح شیمیایی سوریه به تحلیل تأثیر آن در درک رژیم‌های بین‌المللی مبادرت می‌ورزد و به این نتیجه منتهی شده است که آمریکا در قالب نظریه‌ی نئورئالیستی از رژیم‌های بین‌المللی جهت رسیدن به اهداف خود و حمایت از متحدانش استفاده می‌نماید و اهداف ملی را بر اهداف بین‌المللی تعریف‌شده در رژیم‌ها، به‌ویژه رژیم منع گسترش سلاح‌های شیمیایی ترجیح می‌دهد و در نهایت، ایفای نقش اساسی ایالات متحده از آغاز تا پایان بحران سوریه در جهت حمایت از رژیم صهیونیستی و کسب منافع این رژیم که منجر به تقویت رویکرد نئورئالیستی در درک رژیم‌های بین‌المللی می‌شود، به‌عنوان نتیجه‌ی اصلی این مقاله برآورد شده است. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

چارچوب نظری؛ نئورئالیسم (نواقح گرای)ی

نظریه‌ی نئورئالیسم در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ شکل گرفت. این نظریه را می‌توان بیش از هر چیز تلاشی برای علمی‌کردن نظریه‌ی واقع‌گرایی دانست. نواقح‌گرایی، هم‌چون واقع‌گرایی کلاسیک دولت را بازیگر اصلی صحنه‌ی سیاست بین‌الملل می‌داند و هم‌چنان قدرت را به‌عنوان هسته‌ی اصلی سیاست بین‌الملل معرفی می‌کند. با این تفاوت که ساختارگرایان با این

اعتقاد که نظام بین‌الملل فاقد قدرت نظام‌بخش جهانی است، ساختار نظام بین‌الملل را عامل گرایش دولت‌ها به کسب قدرت بیش‌تر می‌داند و برآند که دغدغه‌ی اصلی در نظام بین‌الملل تأمین امنیت است. در این قالب، دولت‌ها به دنبال دستیابی به منافع و سود نسبی هستند و نه دستاورد مطلق؛ یعنی صرف آن‌که از یک رابطه به آنها سود برسد، کافی نیست؛ بلکه باید دستاورد آنها بیش‌تر از دیگران باشد. در غیر این صورت با آن مخالفت می‌کنند. (دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۷) در حقیقت، نظریه‌ی نئورئالیستی که با کنت نیل والتز^۱ برجسته شده است، بر آن است که وجود ساختار آنارشیک امکان همکاری برای اهداف بین‌المللی میان بازیگران را ناممکن نموده و هرگونه همکاری و ائتلافی که شکل بگیرد، فقط در جهت دستیابی به اهداف و منافع خود می‌باشد؛ زیرا نظام بین‌الملل این دستور کار رفتاری را برای تمام بازیگران تجویز نموده و همه به یک شکل تابع آن هستند. در واقع، کسب قدرت و توان نظامی برای یک کشور جهت حفظ بقا و کسب منافع در نظام بدون اقتدار مرکزی با حاکم بودن اصل خودیاری اولویت دارد. دیدگاه چنین نظریه‌ای درباره‌ی رژیم‌های بین‌المللی نیز بر اساس مطالب مذکور نباید خوش‌بینانه باشد، بلکه زمانی که آنارشی بر نظام بین‌الملل حاکم باشد و دولت‌ها به دنبال کسب بیش‌ترین سود، بدون توجه به منافع سایر بازیگران و حتی منافع بین‌المللی هستند، وجود رژیم‌های بین‌المللی نتیجه‌بخش نخواهد بود.

نئورئالیست‌ها معتقدند در رژیم‌های بین‌المللی بازیگران عمده‌ی دولت‌ها هستند و در این‌گونه رژیم‌ها صحبت از قراردادها و قواعد و هنجارهاست که انتظار می‌رود کلیه‌ی کشورها به لحاظ پرستیژ و به‌خاطر این‌که شهرت و حیثیت خود را به خطر نیندازند، عضو شوند. پس چاره‌ای ندارند جز این‌که در قالب رژیم‌های مختلف با یکدیگر روبرو شوند. (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۸۳) بنا به تعریف استفان کراسنر رژیم‌ها عبارتند از یک سلسله اصول، هنجارها و قوانین و فرآیندهای تصمیم‌گیری که (به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم) مطابق خواست مشترک اعضا در محدوده‌ی مشخص از روابط بین‌الملل متمرکز شده‌اند. (Krasner, 1983, 2) نئورئالیست‌ها

1 - Kenneth Neal Waltz

رژیم‌های بین‌المللی را به‌عنوان یک متغیر وابسته به قدرت تلقی می‌نمایند و از نظر آنها رژیم‌های بین‌المللی آلت دست قدرت‌های بزرگ هستند که این قواعد را می‌نویسند. والتز در این زمینه می‌گوید:

"این کشورها هستند که صحنه‌ی آزایی می‌کنند و نمایش‌نامه را به صحنه می‌آورند، چرا که دولت‌ها قدرت‌هایی هستند که قواعد غیررسمی ایجاد می‌نمایند و با دخالت‌های فعالانه، قواعدی را که دیگر برای‌شان مناسب نیست، تغییر می‌دهند. نهادهای بین‌المللی در سیستم خودیاری مؤثر بوده و همکاری آسیب‌پذیر است از این رو، رژیم‌ها به‌عنوان مکانیزم همکاری آسیب‌پذیر هستند." (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۸۳)

استفان کراسنر^۱ از اعضای مکتب رئالیستی که پذیرفته‌ترین تعریف را در باب رژیم‌های بین‌المللی ارائه داده است، معتقد است که کلیه‌ی نظریه‌های سیاسی قراردادی از هابز تا والتز بر مبنای نفع شخصی خودپرستانه هستند. طبق نظریه‌ی کراسنر در نفع خودپرستانه، رفتار دیگران مدنظر نیست، مگر آن‌که چنین رفتاری بر ازدیاد منافع شخصی اثر بگذارد. (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۹۷) بنابراین، قدرت‌ها فقط برای کسب پرستیژ بین‌المللی به عضویت رژیم‌ها در آمده و در نهایت، تا جایی که منافع‌شان تأمین شود، از آنها پیروی خواهند کرد. در حقیقت، تلاش برای برقراری رژیم‌ها به مثابه ابزاری برای فائق آمدن بر اثرات اقتدارگریزی یا حتی تخفیف این اثرات احتمالاً بی‌فایده خواهد بود. وجود رژیم‌های بین‌المللی نمی‌تواند نابرابری قدرت‌های موجود در روابط بین‌الملل را پنهان کنند. (گریفیس، ۱۳۹۲: ۸۱) در نهایت، چنین به نظر می‌رسد که رژیم‌های بین‌المللی در قالب نظریه‌ی نئورئالیستی چیزی جز ابزار دست قدرتمندان برای کسب منافع‌شان نیستند و در حقیقت، کارآمدی متناسب با منافع بین‌المللی را ندارند.

بدین ترتیب، شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی خلع سلاح نیز از این امر مستثنی نیست. کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی^۲ از جمله رژیم‌های بین‌المللی امنیتی در زمینه‌ی خلع سلاح

1 - Stephen Krasner

2 - Chemical Weapons Convention (cwc)

می‌باشد که در سال ۱۹۹۳ تصویب شد و طبق این کنوانسیون بین‌المللی تولید و ساخت، استفاده، انبار و نگهداری و انتقال سلاح‌های شیمیایی ممنوع گردید. (بلوجی، ۱۳۸۶: ۴۶) این کنوانسیون همراه با ضمانت اجرایی آن (یعنی سازمان منع سلاح‌های شیمیایی^۱) رژیم منع سلاح شیمیایی محسوب می‌شوند. بر این اساس، در این پژوهش در صدد بررسی نحوه‌ی عملکرد یکی از قدرت‌های بزرگ درگیر (آمریکا) در فرآیند بحران و پروسه‌ی خلع سلاح شیمیایی سوریه با توجه به این رژیم بین‌المللی هستیم که این امر در قالب نظریه‌ی نئورئالیستی نشان از تقویت و یا تضعیف این نظریه در درک رژیم‌های بین‌المللی می‌باشد.

تبیین عملکرد آمریکا در بحران و پروسه‌ی خلع سلاح شیمیایی سوریه

با آغاز بحران سوریه، آمریکا به دلایل مختلف و با ترفندهای گوناگون در این کشور دخالت می‌نمود و تلاش می‌کرد از این بحران استفاده نماید و آینده‌ی حضور خود در خاورمیانه را تأمین کند. در ابتدا با طرح مباحث حقوق بشری و حمایت از مردم بی‌دفاع سوریه در برابر دولت، تلاش نمود نقش خود را برجسته نماید و با متهم نمودن دولت سوریه خواهان برکناری بشار اسد شود. در این اوضاع و احوال بود که طرح استفاده‌ی دولت سوریه از سلاح شیمیایی علیه مخالفان بهانه‌ی لازم را به‌دست ایالات متحده داد تا بتواند هر آنچه را در ذهن دارد، در راستای رسیدن به اهداف خود و نفوذ بیش از پیش در خاورمیانه عملی نموده و برای این کار توجیه بین‌المللی فراهم کند.

رسانه‌های غربی در آگوست ۲۰۱۳ اعلام نمودند که سوریه از سلاح‌های شیمیایی در جنگ داخلی استفاده نموده است. این امر بحران سوریه را در چهره‌ای جدید مطرح و بازیگران بیش‌تری را درگیر نمود که شامل آمریکا، روسیه، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و شورای امنیت بود. (2014/8/2, www.Center for Arms Control & Non-Proliferation.mht) در این برهه‌ی زمانی، جنگ رسانه‌ای علیه سوریه آغاز شد و رسانه‌ها تلاش نمودند دولت سوریه را به

1 - Organisation For The Prohibition Of Chemical Weapons (opcw)

استفاده از سلاح شیمیایی علیه مردم بی‌دفاع متهم نمایند و این امر را در اذهان عمومی پرورش دهند که سوریه تهدیدی بزرگ علیه صلح و امنیت منطقه و حتی بین‌الملل می‌باشد.

اولین بار روزنامه‌ی وال‌استریت ژورنال^۱ آمریکایی این موج تبلیغاتی را علیه دمشق آغاز نمود که در آن اعلام شد سوریه سلاح‌های شیمیایی از جمله گاز اعصاب، خردل و سیانور دارد و استفاده از گاز خردل توسط دولت این کشور علیه مردم منجر به قتل ۱۴۰۰ نفر از شهروندان سوری شده است. (2013,8,http://www.wsj.com) حسن شمشادی مدیر دفتر نمایندگی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که برای مدت بیش از پنج سال از ۱۳۸۹ در سوریه حضور داشت، در مصاحبه با روزنامه‌ی جام‌جم اشاره می‌کند که بیش‌تر رسانه‌های غربی و عربی به‌ویژه شبکه‌های الجزیره و العربیه تاکتیک‌ها و تکنیک‌های خود را به نفع جبهه‌ی مخالف و تروریست‌ها به‌کار می‌بردند و با استفاده از تاکتیک‌های سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی و دروغ‌پردازی در صدد تخریب دولت سوریه برآمده بودند. بنابراین، از نظر وی آنچه در سوریه رخ داد، نتیجه‌ی جنگ رسانه‌ای علیه دولت این کشور بود. وی می‌گوید: «۹۰ درصد رسانه‌ها در جبهه‌ی دشمن بودند و ۱۰ درصد در جبهه‌ی مقاومت و همسوی با نظام و مردم سوریه؛ و تعداد رسانه‌های مستقل انگشت شمار بود.» (Press.jamejamonline.ir) در حقیقت، در این فضای تبلیغاتی بود که آمریکا سخن از حمله‌ی نظامی محدود به سوریه را به میان آورد. گویا قرار بود سناریو عراق دوباره تکرار شود. کشوری را متهم به استفاده از سلاح کشتار جمعی می‌کند و بعد خود را به‌عنوان منجی صلح و امنیت بین‌الملل که مسئولیت حفظ صلح جهانی را بر عهده دارد، در اذهان عمومی به تصویر می‌کشد؛ و هرگونه اقدام خود را در این مسیر توجیح می‌نماید. در واقع، آمریکا با ایفای نقشی فعال در طولانی شدن درگیری‌های سوریه در صدد بود با ایجاد یک جنگ فرسایشی، زیرساخت‌های کشور سوریه را نابود و قدرت نظامی این کشور را تضعیف کند. دقیقاً همان بلایی که بر سر عراق آمد.

البته باید اشاره نمود آمریکا در این عرصه تنها نبود و معارضان منطقه‌ای و بین‌المللی دولت سوریه نیز با آن همگام بودند. در عرصه‌ی منطقه‌ای با رژیم صهیونیستی، ترکیه، قطر و عربستان سعودی هم‌گام شد و در عرصه‌ی بین‌المللی نیز آمریکا با فرانسه، انگلیس و برخی کشورهای اروپایی در یک جبهه قرار گرفتند. قابل ذکر است که این کشورهای فرامنطقه‌ای در آستانه‌ی سقوط سرهنگ قذافی از بشار اسد خواستند از قدرت کناره‌گیری کند و نظامش را غیرمشروع دانستند و برخی از مقامات آمریکایی مانند سناتور "جان مک‌کین" رقیب انتخاباتی اواما طی سخنانی در کشور اردن به صراحت اعلام کرد که امکان حمله‌ی نظامی به دمشق برای دفاع از مردم وجود دارد. (Kirkpatrick, CFR, 2012)

دولت آمریکا در این راستا سیاست خود را مبنی بر گزینه‌ی نظامی اعلام نمود و در ۱۳ آوریل نیز اولین مقر نظامی خود را جهت فرماندهی و کنترل عناصر نظامی و همکاری با نیروهای نظامی متحد خود یعنی اردن، برای اعمال واکنش و پاسخگویی به استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط دولت سوریه علیه مردم این کشور مستقر نمود. در واقع، با آن‌که دولت اواما برنامه‌ی مشخصی برای استفاده از نیروهای مستقیم نظامی در خاک سوریه اعلام نکرده بود، اما سناریوهای مورد نظر ایالات متحده (ایجاد منطقه‌ی پرواز ممنوع^۱ بر فراز سوریه و منطقه‌ی حائل^۲) به‌ویژه با کشورهای همسایه (ترکیه و اردن) که می‌توانستند در اجرای برنامه‌های آمریکا در آن کشور مؤثر باشند، بود. آمریکا برای طرح منطقه‌ی پرواز ممنوع ماهانه یک میلیارد دلار هزینه و هزاران نیروی نظامی برآورد نموده بود و هم‌چنین از سوی دیگر، آمریکا برای تضعیف نیروی هوایی سوریه و تخریب پادگان‌های راهبردی آن، انجام حملات هوایی را در نظر گرفته و به حمایت از اپوزسیون و شورشیان داخلی با ارسال مهمات و تسلیحات مبادرت نمود. (2014/12/25, <http://www.globalsecurity.org>) از جمله اقدامات دیگر آمریکا در این راستا، روحیه‌دادن به مخالفان مسلح و شبه‌نظامیان بود که در جنگ با

1 - Fly zone

2 - buffer zone

ارتش و دولت سوریه بودند، زیرا این امر زمینه را برای تسلط مخالفان مسلح در سوریه هموار می‌نمود و در عین حال، توان و قدرت سوریه را تضعیف می‌کرد.

با وجود این که برخی مراکز در داخل آمریکا از این طرح حمایت نمودند، اما بسیاری نیز مخالفت کرده و با بیان دلایلی قاطع اعلام کردند که حمله‌ی نظامی به سوریه بیش از سودی که در بردارد، زیان‌آور خواهد بود. این امر اوپاما را در طرح حمله‌ی نظامی دچار تردید کرد. در واقع، با این که ایالات متحده تصمیم نهایی در خصوص حمله‌ی نظامی به سوریه را اتخاذ نکرده بود، اما بر این امر واقف بود که انجام این کار در جهت منافع ملی آمریکا خواهد بود، منافع دوستان و متحدانش را تضمین خواهد کرد و مانع از دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های شیمیایی خواهد شد.

اوپاما رئیس جمهور آمریکا اذعان نمود: «آنچه که تاکنون برای ما آشکار شده است، آن است که شورای امنیت عدم توانایی خود را در حرکت به سمت مقابله با نقض آشکار موازین بین‌الملل نشان داده و آمریکا برای حمله‌ی نظامی خود و متحدانش سه هدف را تعریف می‌نماید، از جمله:

۱- علاقه انسانی در جلوگیری از استفاده از این سلاح‌ها به صورت بی رویه بر روی غیر نظامیان بی گناه سوریه.

۲- تأمین منافع بلندمدت امنیتی و تبدیل عدم استفاده از این سلاح‌ها به یک تابوی.

۳- تضمین حفظ امنیت بین‌المللی و عدم دستیابی تروریست‌ها به زرادخانه‌های شیمیایی سوریه.» (۳۰ آگوست ۲۰۱۳ shadow.foreignpolicy.com).

بحث حمله‌ی نظامی به مرور زمان بیش از گذشته جدی‌تر مطرح شده و گویا اوپاما توانسته در داخل کشور به نظر مساعدی برسد و حمله‌ی نظامی را توجیه نماید. در نهایت، از ظواهر امر چنین آشکار است که این حمله چیزی فراتر از یک تهدید باشد.

عربستان آشکارا اعلام کرد که از پیشنهاد حمله‌ی آمریکا به سوریه حمایت می‌کند و قطر نخستین کشوری بود که آشکارا از اعزام نیروهای نظامی برای مقابله با حکومت بشار اسد دفاع

کرد و جان کری^۱ وزیر امور خارجه‌ی آمریکا نیز اعلام نمود که هزینه‌ی حمله به سوریه را بعضی کشورهای عربی می‌پردازند. (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۳۷)

آمریکا با این‌که از حمله‌ی نظامی به سوریه به صورت جدی سخن می‌گفت و به ظاهر تمام تجهیزات لازم را نیز آماده نموده بود، اما از سوی دیگر در داخل هم‌چنان مخالفان بر طبل مخالفت خود می‌کوبیدند و اوباما را در اتخاذ تصمیم سردرگم کرده بودند. در نهایت، آمریکا در شرایط دو دستگی در نیروهای داخلی، عدم مقبولیت عمومی حمله به سوریه و حتی عدم حمایت برخی از متحدان بیرونی از حمله به این کشور، با پیشنهاد روسیه به ایجاد نظارت بین‌المللی بر سلاح‌های شیمیایی سوریه موافقت نمود و رأی‌گیری در مورد جنگ در سنا را به تعویق انداخت. بدین ترتیب، شایسته است بررسی شود به چه دلیل آمریکا با طرح روسیه موافقت نمود و برنامه‌ی حمله‌ی نظامی را کنار گذاشت. از جمله دلایل اتخاذ این تصمیم توسط آمریکا عبارتند از:

- (۱) **مشکلات اقتصادی آمریکا:** آمریکا هم‌چنان در شرایط بحران اقتصادی به سر می‌برد و علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در چند سال اخیر هنوز نتوانسته است از رکود اقتصادی خارج شود. در چنین شرایطی ورود به یک جنگ دیگر در خاورمیانه می‌توانست اوضاع اقتصادی این کشور را وخیم‌تر کند.
- (۲) **بروز شکاف میان متحدان آمریکا:** طرف‌های تهدیدکننده از همان آغاز، دچار نوعی شکاف داخلی عمیق شدند که خود عامل سرنوشت‌سازی در محقق نشدن جنگ بود. این شکاف‌ها در سه سطح روی داد:
 - الف) سطح داخلی متحدان: مخالفت مجلس عوام انگلیس با مشارکت در اقدام نظامی علیه سوریه عملاً باعث شد که انگلیس به‌عنوان متحد راهبردی آمریکا از گردونه‌ی کشورهای حاضر در عرصه‌ی نبرد خارج شود؛

1 - John Kerry

ب) سطح داخلی کشورهای تهدیدکننده: در این حوزه افکار عمومی این کشورها عملاً مخالفت خود را با جنگ اعلام کردند. این مخالفت به شکل بی‌سابقه‌ای شدید بود، به گونه‌ای که در همه‌ی آنها - کشورهای غربی و ترکیه - افکار عمومی با جنگی که پیروز نهایی آن مشخص نبود، به شدت مخالفت کرد؛

ج) سطح متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی: در این سطح نیز بیش‌تر کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا و همچنین پیمان ناتو با ورود به درگیری تازه در منطقه‌ی خاورمیانه مخالف بودند. این مخالفت‌ها از سوی کشورهایی مانند آلمان شدت بیش‌تری داشت.

۳) تجربه‌ی حمله به عراق و مستند نبودن ادعاهای مطرح‌شده: طرف تهدیدکننده برای اثبات ادعای خود در مورد استفاده‌ی ارتش سوریه از سلاح شیمیایی هیچ سند قابل ارائه‌ای در دست نداشت. آمریکا، انگلیس و فرانسه به‌عنوان اعضای اصلی طرف تهدیدکننده به جنگ، هر کدام ادعاهایی را در مورد استفاده‌ی ارتش سوریه از سلاح شیمیایی مطرح کردند که هیچ‌یک از آنها قابلیت اثبات نداشت و بیش‌تر سندسازی و منعکس در رسانه‌های جهت‌دار بود. تجربه‌ی جنگ عراق نشان داد که استناد به چنین مدارک نامعتبری می‌تواند در آینده دردسرساز باشد؛ و عاملی در جهت تخریب وجهی بین‌المللی گردد.

۴) نبود مجوز شورای امنیت: پس از حمله‌ی آمریکا و متحدانش به عراق به بهانه‌ی وجود تسلیحات شیمیایی و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد که قانون‌گریزی مقامات کاخ سفید را نشان می‌داد و عملاً مشروعیت دولت آمریکا را در سطح بین‌الملل و افکار عمومی پایین آورده بود، لزوم توجه به مجوز شورای امنیت برای مداخله‌ی خارجی از طرف هر یک از کشورهای جهان، طرف تهدیدکننده به‌خصوص آمریکا را دچار مشکلات بسیاری کرد.

آخرین نظرخواهی اجتماعی نشان می‌داد بیش از ۷۰ درصد مردم آمریکا با تصمیم دولت اوباما مبنی بر اقدام نظامی علیه سوریه مخالف بودند. (<http://archive.mashal.org>) انجام

چنین امری با چنین سطح بالایی از مخالفت، برای وجهه‌ی بین‌المللی و مشروعیت داخلی دولت اوباما مناسب نبود. از سوی دیگر، دولت آمریکا نگران واکنش دولت سوریه بود که این خود تردید اوباما را به ترس تبدیل نمود. آغاز حمله به سوریه می‌توانست حداقل دو تهدید زیر را برای منافع آمریکا دربر داشته باشد:

(۱) حمله به مراکز نفتی در منطقه: توان موشکی سوریه این امکان را می‌داد که در صورت بروز هر جنگی در منطقه، مراکز مهم نفتی در خلیج فارس مورد تهدید قرار گیرد. بحرانی بودن اقتصاد جهانی و تأثیر جنگ بر گران شدن نفت و امکان حمله به سکوه‌های نفتی از عوامل سست شدن اراده‌ی طرف‌های تهدیدکننده برای آغاز جنگ بود؛

(۲) تهدید رژیم صهیونیستی: از آنجایی که تأمین امنیت رژیم صهیونیستی مهم‌ترین هدف تعریف‌شده‌ی آمریکا در منطقه به‌شمار می‌رود، تهدید این رژیم توسط ارتش سوریه و مقاومت اسلامی در لبنان و حتی فلسطین از سیاست‌های مهم در پیش گرفته شده بود تا آمریکایی‌ها با کوتاه آمدن از موضع نظامی تن به مصالحه بدهند. در واقع، رژیم صهیونیستی در برابر توان موشکی مقاومت و ارتش سوریه، آغاز یک جنگ فرسایشی، ورود نیروهای مقاومت به داخل اراضی اشغالی فلسطین و تصرف برخی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین، هیچ راهکار منطقی و عملی پیش رو نداشت؛ زیرا رژیم صهیونیستی از نبود عمق راهبردی رنج می‌برد و هرگونه جنگ در این رژیم و در نزدیکی مرزهای آن می‌تواند تهدید بزرگی برای امنیت وجودی آن باشد. از این رو، به خطر افتادن امنیت این رژیم از عوامل مهم تأثیرگذار برای عبور از مرحله‌ی جنگ به تعامل بود.

علاوه بر موارد فوق، مسائل و ملاحظات دیگری نیز در انصراف آمریکا از انجام اقدام نظامی علیه سوریه مؤثر بودند. محقق نشدن اهداف آمریکا از حمله‌ی محدود نظامی از جمله‌ی این مسائل بود. از آنجایی که در اهداف تعریف‌شده‌ی آمریکا از بین بردن تسلیحات شیمیایی سوریه، وجه بارز ماجرا بود، هرگونه حمله‌ای در سطح محدود آن هم توسط موشک‌های کروز دوربرد، نمی‌توانست این هدف را تأمین کند. ناتوانی آمریکا در پیش‌بینی پیامدهای حقوقی

حمله نیز از دیگر عوامل مؤثر در انصراف این کشور از حمله به سوریه محسوب می‌شود. حمله‌ی یک‌جانبه و بدون مجوز آمریکا و متحدانش به سوریه، پیامدهای حقوقی متعددی برای این کشور در پی داشت. عدم مشروعیت بین‌المللی چنین حمله‌ای باعث شکایت دولت سوریه به مجامع قضایی بین‌المللی می‌شد که بدون شک آمریکا به دلیل خسارت‌هایی که به زیربنایی سوریه وارد کرده بود، به صورت بالقوه محکوم می‌شد. (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۹۲)

با وجود موارد بالا آمریکا در این موقعیت بحرانی برای حفظ آبرو و وجهی بین‌المللی خود و نشان دادن این‌که توانسته است از این بحران دستاورد مهمی داشته است، با طرح روسیه موافقت نمود. آمریکا و روسیه در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ اعلام نمودند: به توافقی رسیده‌اند که در آن سوریه به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ملحق شود و سلاح‌های شیمیایی خود را تسلیم نماید. بر اساس توافق انجام‌شده، سوریه باید میزان سلاح‌های شیمیایی و سخت‌افزارهای نظامی و زیرساخت‌های خود را در عرض یک‌هفته اعلام نماید و بر اساس یک جدول زمان‌بندی شده برای از بین بردن مواد و امکانات شیمیایی خود اقدام نماید.

- مرحله‌ی اول: سوریه باید وجه اسناد الحاق به سازمان منع سلاح‌های شیمیایی را واریز نماید (در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳)؛
- مرحله‌ی دوم: سوریه باید نام، نوع و میزان مواد شیمیایی و مهمات و هم‌چنین محل شکل‌گیری و تمام تجهیزات ذخیره‌سازی، تولید و تعمیق آنها را در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳ اعلام نماید؛
- مرحله‌ی سوم: شورای اجرایی سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، پذیرش سوریه را در عضویت این سازمان اعلام نماید؛
- مرحله‌ی چهارم: پذیرش کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۳؛
- مرحله‌ی پنجم: اطمینان از اتمام بازرسی سایت‌ها توسط بازرسان سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در نوامبر ۲۰۱۳؛
- مرحله‌ی ششم: نابودی تمام امکانات مواد سلاح شیمیایی و تسلیحات شیمیایی در نوامبر ۲۰۱۳؛

- در مرحله‌ی آخر: در اوایل و اواسط ۲۰۱۴ حذف کامل و یا تخریب سلاح‌های شیمیایی سوریه تحت نظارت سازمان منع سلاح‌های شیمیایی. (www.Center for Arms Control & Non-Proliferation.mht)

شورای امنیت نیز قطعنامه‌ی ۲۱۱۸ را در تاریخ ۲۷ سپتامبر در جلسه‌ی ۷۰۳۸ تصویب نمود علاوه بر این که استفاده از سلاح‌های شیمیایی را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل اعلام کرد، آن را ناقض حقوق بین‌الملل دانسته و خواهان امحای سلاح‌های شیمیایی سوریه به سریع‌ترین و امن‌ترین شیوه‌ی ممکن و راستی‌آزمایی فوری آن شد. مطابق این قطعنامه هیچ‌یک از طرف‌های درگیر در سوریه نباید از سلاح شیمیایی استفاده و یا اقدام به تولید، توسعه، انباشت، نگهداری و یا انتقال این سلاح‌ها کنند. سوریه باید با سازمان منع سلاح شیمیایی، سازمان ملل و نیروهای اعزامی آنها همکاری نموده و امنیت بازرسان را تضمین و دسترسی فوری و بدون اخلال آنها را از هر تعداد و در هر مکانی تأمین نماید. و.... در انتها طبق اصل ۲۱ بی‌اعتنایی به این قطعنامه اقدامات فصل هفت منشور را به همراه خواهد داشت. شورای امنیت هم‌چنین دولت‌های غربی را از هرگونه کمکی که منتهی به تسلیح گروه‌های معارض باشد، منع نمود و تخلفات آنها را در این زمینه قابل بررسی در شورای امنیت به‌صورت فوری تلقی کرد. (2013/9/27 , <http://www.un.org>)

نکته‌ی قابل توجه آن است که نابودسازی تجهیزات و سلاح‌های شیمیایی نیازمند توانایی بالای فناورانه و مالی می‌باشد که بسیاری از کشورها چنین توانایی را ندارند. سوریه نیز با توجه به اوضاع بحرانی در کشور و نداشتن این توانایی (مالی و فناورانه) عملاً نمی‌توانست تجهیزات و سلاح‌های شیمیایی خود را تا زمان مقرر نابود کند. در این زمینه نیز روسیه و آمریکا به توافقاتی دست یافتند. در حقیقت، از آنجا که سوریه کنوانسیون تسلیحات شیمیایی را پذیرفت و توان لازم برای نابودسازی و فرآیند آن را نداشت؛ بدین ترتیب، آمریکا و روسیه تصمیم گرفتند تسلیحات شیمیایی سوریه را در اسرع وقت و به امن‌ترین شکل ممکن نابود نمایند و در این خصوص توافق کردند.

آمریکا و شورای فدراسیون روسیه توافق کردند قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد باید به صورت منظم اجرای تصمیم شورای اجرایی سازمان منع تسلیحات شیمیایی را در سوریه بازبینی کند و در صورت عدم تبعیت از جمله انتقال غیرمجاز یا استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط فردی در سوریه، شورای امنیت باید اقداماتی را بر اساس فصل هفت منشور ملل متحد اعمال کند. پیش‌نویس تصمیم مشترک پیشنهادی آمریکا به سازمان منع تسلیحات شیمیایی از اجرای ماده‌ی دوازده کنوانسیون^۱ تسلیحات شیمیایی حمایت می‌کند که بر اساس آن هر مورد عدم تبعیت به مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت ارجاع می‌شود. آمریکا و فدراسیون روسیه به منظور تحقق هدف نابودی برنامه‌ی تسلیحات شیمیایی سوریه به ارزیابی مشترکی درباره‌ی میزان و نوع سلاح‌های شیمیایی به کار رفته دست یافته‌اند و متعهد شدند این سلاح‌های شیمیایی و ترکیبات آنها در سوریه به سرعت تحت کنترل بین‌المللی قرار گیرد.

آمریکا و فدراسیون روسیه انتظار دارند سوریه در مدت یک هفته فهرست جامعی از جمله اسامی، انواع و مقدار ترکیبات تسلیحات شیمیایی، انواع مهمات و محل و نوع ذخیره‌سازی آنها و تأسیسات تولید و تحقیق درباره‌ی این سلاح‌ها را ارائه کند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که مؤثرترین شیوه‌ی کنترل این تسلیحات احتمالاً از بین بردن بیش‌ترین حجم از این سلاح‌های موجود تحت نظر سازمان منع تسلیحات شیمیایی و در صورت امکان نابودی آنها در خارج از سوریه است. این فرآیند علاوه بر تسلیحات شیمیایی، ذخایر ترکیبات تسلیحات شیمیایی، مواد اولیه‌ی آنها، تجهیزات تخصصی سلاح‌های شیمیایی و مهماتی که در آنها مواد شیمیایی به کار رفته است، باید شامل تاسیساتی باشد که برای تولید و توسعه‌ی این تسلیحات به کار برده می‌شود. آمریکا و فدراسیون روسیه همچنین تصمیم گرفتند سوری‌ها باید در راستای مسئولیت‌پذیری در قبال سلاح‌های شیمیایی خود، حق بازرسی فوری و نامحدودی

۱ - مطابق این ماده، "کشورهای عضو که در انجام اقدامات مربوط به پای‌بندی به تعهدات خود عمل نکنند، بر اساس این ماده متحمل جرائم گوناگون که شامل تحریم نیز می‌باشد، می‌گردند. موارد ویژه حتی می‌تواند به مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل برای انجام اقدامات لازمی مبتنی بر منشور سازمان ملل ارجاع گردد. (بلوچی؛ ۱۳۸۶: ۵۰)

را برای بازرسان سازمان منع تسلیحات شیمیایی، سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای حامی در همه‌ی تأسیسات در سوریه قائل شود. این فرآیند فوق‌العاده که توسط آمریکا و فدراسیون روسیه پیشنهاد شده و قرار بود در شورای اجرایی سازمان منع تسلیحات شیمیایی تصویب و با قطعنامه‌ای از شورای امنیت سازمان ملل متحد تقویت شود، باید شامل سازوکاری برای تضمین این حق باشد.

بازرسان سازمان منع تسلیحات شیمیایی و سازمان ملل متحد بر اساس این سازوکار باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای کنترل، برچیدن و نابودی توانمندی‌های تسلیحات شیمیایی سوریه به این کشور اعزام شوند. آمریکا و فدراسیون روسیه معتقدند سازمان منع تسلیحات شیمیایی و سازمان ملل متحد از خدمات کارشناسان پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار خواهند بود. دو طرف در نظر دارند همکاری بسیار نزدیکی با یکدیگر و با سازمان منع تسلیحات شیمیایی، سازمان ملل متحد، همه‌ی طرف‌ها درگیر در سوریه و دیگر کشورهای علاقمند به فعالیت‌های مرتبط برای تأمین امنیت مأموریت نظارت و نابودی این تسلیحات داشته باشند و معتقدند دولت سوریه در این خصوص مسئولیت اولیه را دارد.

(2013/9/14, <http://blogs.wsj.com>)

آمریکا تحت نظارت سازمان خلع سلاح شیمیایی و سازمان ملل مواد و ذخایر شیمیایی سوریه را به کشتی‌های کشتی آمریکایی «ام وی کیپ‌رای» در دریای مدیترانه انتقال داد و آنها را نابود نمود. آمریکا برای نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه از سیستم متحرک به نام «سیستم هیدرولیکی میدانی قابل انتشار» برای تبدیل مواد شیمیایی به موادی غیرقابل استفاده برای سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند. در این سیستم که توسط «آژانس کاهش تهدیدات دفاعی» وابسته به پنتاگون ایجاد شده، تأسیسات تیتانیوم، آب‌های گرم و عناصر شیمیایی دیگر را برای خنثی کردن موادی که در سلاح‌های شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به کار برده می‌شود. مسئولان آمریکایی تأکید کردند که دو واحد از «سیستم هیدرولیکی» در عرشه‌ی کیپ‌رای به کار گرفته می‌شوند. (2014/8/18, <https://www.washingtonpost.com>)

همان‌طور که بیان شد، آمریکا از آغاز بحران سوریه تا پایان آن و حتی نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه نقشی بسیار مهم را ایفا نموده است که در حقیقت، بعید به نظر می‌رسد اهداف آمریکا از این حضور حفاظت از رژیم‌های بین‌المللی به‌ویژه رژیم خلع سلاح شیمیایی باشد؛ زیرا به وضوح شاهد آن بودیم که در بسیاری از اقداماتش فراتر از رژیم خلع سلاح شیمیایی و یا حتی منشور سازمان ملل گام بر می‌داشت.

انگیزه‌های دخالت آمریکا در خلع سلاح شیمیایی سوریه

آمریکا از ابتدای بحران سوریه نقش برجسته‌ای در تحولات این کشور ایفا نموده است. همان‌طور که بیان شد، آمریکا اهدافی را در پشت پرده دنبال می‌نمود که با مقاصد اعلامی بر اساس منشور سازمان ملل و یا سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و یا حتی دفاع از حقوق بشر بسیار متفاوت به نظر می‌رسید. در این قسمت تلاش شده است اهداف اصلی آمریکا از عملکردش در سوریه به صورت مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

حمایت از منافع رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین دلایل آمریکا برای دخالت در بحران سوریه و اصرار بر خلع سلاح شیمیایی آن کشور است. ایالت متحده و رژیم صهیونیستی از نزدیکان و هم‌پیمانان یکدیگر محسوب می‌شوند. سابقه‌ی این مناسبات بر چندین دهه پیش باز می‌گردد. طی این دوران رژیم صهیونیستی از کمک‌های مادی و معنوی آمریکا بسیار بهره برده است. نزدیکی منافع این دو بازیگر منجر به تعریف اهداف و منافع مشترک گشته است که در نتیجه‌ی آن هر دو بازیگر باید در هر کدام از مناسبات سیاسی، اقتصادی و... با توجه به منافع یکدیگر به اتخاذ تصمیم و اعمال آن مبادرت نمایند. در نهایت، اقدامات آمریکا در خاورمیانه و یا هر گوشه از جهان را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن رژیم صهیونیستی مورد بررسی و واکاوی قرار داد.

در واقع، آمریکا حمایت از رژیم صهیونیستی را جزو اصول اساسی سیاست خارجی خود قرار داده است. سفیر آمریکا در تل‌آویو طی سخنانی تأکید نمود که واشنگتن عمیقاً به امنیت این رژیم پای‌بند است و محور سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه تماماً به سیاست داخلی این کشور و به حضور فعالیت‌های لابی‌های اسرائیل وابسته است. بنابراین، حمایت از

رژیم صهیونیستی به صورت تام و بدون قید و شرط یکی از سیاست‌های ثابت آمریکا صرف‌نظر از حاکمیت هر یک از دو حزب سیاسی این کشور می‌باشد. (باباجانی پور، ۱۳۹۲: ۱۳۴) بدین ترتیب، مهم‌ترین هدف آمریکا در عملکردش در سوریه تأمین اهداف رژیم صهیونیستی بوده است که سایر اهداف را نیز پوشش می‌دهد.

سوریه ۲۱۸۰ کیلومتر مربع از خاک خود را که در ۳۰ کیلومتری دمشق است، در اشغال رژیم صهیونیستی می‌بیند؛ سرزمینی که ۶۰ درصد آب این رژیم و هم‌چنین امنیت آن را تأمین می‌کند. ضمن این‌که تل‌آویو عمق راهبردی نداشته و جولان به دلیل مرتفع بودن، این عمق را تأمین می‌کند. دولت سوریه تلاش می‌کند خاک کشورش را با استفاده از دیگر اهرم‌های قدرت آزاد نماید. حمایت از مبارزان فلسطینی در کنار ایدئولوژی قوم‌گرایی عربی حزب بعث حاکم در سوریه، حمایت از مبارزان ضد رژیم صهیونیستی و تلاش برای حفظ جبهه‌ی مقاومت، هر کدام بخشی از این تلاش‌هاست. آمریکا نیز تلاش خود را برای برقراری صلح میان سوریه و رژیم صهیونیستی می‌نمود. در سال ۲۰۰۰ با شکست دیدار اسد و کلیتون در ژنو، مذاکرات صلح سوریه و رژیم صهیونیستی ناکام ماند. بار دیگر از بهار ۲۰۰۸ مذاکرات رسمی به صورت غیرمستقیم در ترکیه آغاز شد. از ۱۹ ماه می تا ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ شش دور از این مذاکرات انجام شد و پس از مدتی توقف با آغاز حمله‌ی رژیم صهیونیستی به غزه به صورت یک‌طرفه توسط دمشق قطع گردید. (بناکویی، بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲)

سوریه تنها بازیگر عربی است که در مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، نقش مستقلی را ایفا می‌کند و در عین حال، صاحب دیدگاه خود است. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه، محور اصلی اهمیت نظامی و راهبردی این کشور در منطقه است. در حال حاضر، نیروی مسلح سوریه تنها ارتش کلاسیک عربی است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. از این رو، مقامات رژیم صهیونیستی سوریه را به‌عنوان تهدید راهبردی به حساب می‌آورند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۴) این امر که سوریه تنها بازیگر در خاورمیانه است که می‌تواند در مقابل رژیم صهیونیستی ایستاده و مانع از ایجاد

هژمونی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی شود، بسیار برای این رژیم نگران‌کننده است و آن را تهدیدی اساسی برای موجودیت خود می‌داند. از سوی دیگر، از آنجا که رژیم صهیونیستی عنصر اصلی حضور و دخالت آمریکا در منطقه است؛ پس تهدید این رژیم به معنای تهدید منافع ایالت متحده نیز می‌باشد.

ارتش سوریه از سال ۱۹۸۲ کار ایجاد توازن راهبردی مقابل رژیم صهیونیستی را آغاز کرد تا بتواند به تنهایی مقابل آن بجنگد و اصلاً ساخت ارتش پس از آن انجام شد که یگان‌های ارتش توانستند سه ماه به تنهایی پس از خروج مصر از جنگ ۱۹۸۲ با رژیم صهیونیستی بجنگند. (روزنامه تهران امروز، ۱۳۹۱/۵/۳) سوریه همیشه با سیاست‌های آمریکا در منطقه که در راستای حمایت بی‌قید و شرط رژیم صهیونیستی است، مخالفت می‌کند؛ زیرا رژیم صهیونیستی سرزمین فلسطین، لبنان و سوریه را به اشغال خود در آورده و حقوق حقه‌ی مردم فلسطین را نادیده گرفته که این امر از منظر دولت سوریه غیرقابل پذیرش است. سوریه با سیاست تجاوزکارانه‌ی رژیم صهیونیستی و آمریکا مخالف است. (روزنامه جام‌جم، ۱۳۹۰/۱۱/۵)

علاوه بر آن که سوریه تنها کشوری است که به دلیل داشتن توان نظامی مقابله با رژیم صهیونیستی توازن قدرت منطقه به ضرر این رژیم را بر هم زده است و در منطقه بر سر میزان نفوذ و قدرت، با رژیم صهیونیستی در رقابت است، اما از سوی دیگر، نقش آفرینی سوریه در مبادلات سیاسی لبنان و قرارگرفتن دمشق به‌عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی، بر اهمیت راهبردی سوریه افزوده است. به خاطر این امر مهم است که تمرکز ایالت متحده بر سوریه در سال‌های اخیر افزایش یافته است. با سرنگونی مبارک، آمریکا عامل اصلی ثبات در خاورمیانه را از دست داد، رژیم سوریه و سایر رژیم‌های منطقه با خطر ظهور رهبرانی روبرو است که امنیت رژیم صهیونیستی را تهدید کنند. در نتیجه، محیط راهبردی پیرامون این رژیم به شدت تضعیف خواهد شد و گرایش‌های ضدصهیونیستی افزایش خواهد یافت؛ اما در صورتی که مخالفان سوری به قدرت برسند و حرف‌های خود را به عمل تبدیل کنند، در محور مقاومت تنها بازیگران غیردولتی مانند لشکر المهدی، سپاه بدر و حزب‌الله باقی

خواهد ماند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت منافع رژیم صهیونیستی در سقوط بشار اسد و دولت‌های حامی محور مقاومت است، زیرا چنان‌چه سوریه که حلقه‌ی واصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه‌کاری تغییر یابد، به نوعی شاید امنیت رژیم صهیونیستی پس از انقلاب‌های عربی و به‌ویژه انقلاب ژانویه‌ی ۲۰۱۱ مصر تا حدی ترمیم شود و رژیم صهیونیستی بتواند از دایره‌ی تنگ ناامنی خارج شود. در نهایت، برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی بهتر است سوریه هم‌چنان درگیر اختلاف‌ها و بحران‌های داخلی و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی باشد تا ضمن فراهم شدن زمینه‌ی سقوط آن، رژیم صهیونیستی در آرامش به تعقیب اهداف خود بپردازد.

در آمریکا، دولت‌ها متوالی همواره خواهان خاتمه‌ی رابطه‌ی سوریه با جمهوری اسلامی ایران، قطع حمایت از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی، تشویق به گفت‌گویی صلح با آمریکا و تأکید بر نگرانی از انبارهای سلاح شیمیایی و موشک‌های مختلف و نیز فعالیت‌های هسته‌ای سوریه بوده‌اند. اوباما دوست داشت با نزدیکی به سوریه مذاکرات سوریه- رژیم صهیونیستی را پیش بگیرد، اما این کشور هم‌چنان به روابط نزدیک با جمهوری اسلامی ایران و حمایت از حزب‌الله ادامه داد. چون معتقد بود رژیم صهیونیستی خواهان صلح نیست و فاقد ظرفیت‌ها و انعطاف‌پذیری‌های لازم برای آن‌ها می‌باشد. بدین ترتیب، فشارها روی اوباما و دولت وی افزایش یافت، و در نتیجه، فشار آمریکا برای تغییر رفتار سوریه نیز بیش‌تر شد تا این‌که با شروع ناآرامی‌ها در سوریه، مقامات آمریکایی از آگوست ۲۰۱۰ خواهان استعفای اسد شدند. سفارت آمریکا در سوریه بسته و سفیر فرا خوانده شد، و تلاش‌های مختلفی برای جلب حمایت شورای امنیت سازمان ملل به‌منظور محکوم نمودن دولت سوریه و پایان دادن به خشونت صورت گرفت. (علی‌زاده ساروکلاهی، ۱۳۹۲: ۱۵۸) آمریکا نه تنها در این مورد موفق نشد، بلکه بر وخیم‌تر شدن اوضاع افزود تا این‌که مسأله‌ی سلاح شیمیایی سوریه مطرح شد تا نه تنها آمریکا را از بن‌بست نجات داد، بلکه بهانه‌ی لازم برای توجیه اقدامات نظامی و غیرنظامی خود را فراهم نمود.

تأثیر عملکرد آمریکا در درک رژیم خلع سلاح شیمیایی

مطابق با بررسی عملکرد و انگیزه‌های آمریکا در دخالت در سوریه به‌ویژه در بحث خلع سلاح شیمیایی این کشور، کاملاً مشخص می‌شود که آمریکا نمی‌تواند هیچ برنامه و سیاستی را در خاورمیانه و یا حتی در سیاست خارجی خود در قبال تمام مناطق به‌کار ببرد، بدون آن‌که به منافع و بقای رژیم صهیونیستی توجه نموده باشد. در حقیقت، رژیم صهیونیستی در خاورمیانه به نوعی سیاست‌های آمریکا را نمایندگی می‌نماید و آمریکا نیز از هیچ کمک و حمایتی بدان دریغ نمی‌کند. در مورد سوریه نیز مشخص شد که توان نظامی این کشور برای مقابله و ایجاد بازدارندگی در منطقه در برابر رژیم صهیونیستی از یک سو و از سوی دیگر، قرار گرفتن سوریه در مرکز محور مقاومت به‌عنوان حلقه‌ی واصل، امنیت و بقای آن را تهدید نموده و آمریکا را وادار به واکنش در این منطقه نموده است. در حقیقت، مطرح شدن اهدافی چون حمایت از حقوق بشر و یا جلوگیری از نقض کنوانسیون بین‌المللی و برقراری صلح و امنیت، همه و همه بهانه برای حضور بیش‌تر آمریکا در خاورمیانه به‌ویژه در سوریه بود، زیرا که آمریکا زمانی سوریه را متهم به استفاده از سلاح شیمیایی می‌نمود که فقط استفاده از این سلاح ثابت شده بود، نه طرف استفاده‌کننده از آن.

در مقابل، با ادعای آمریکا بر استفاده‌ی این سلاح از جانب دولت سوریه، اخضر ابراهیمی^۱ فرستاده‌ی سابق سازمان ملل در امور سوریه اذعان کرده بود که گروه‌های مسلح تروریست از سلاح شیمیایی استفاده کرده‌اند و هم‌چنین مسئولیت حمله‌ی شیمیایی به عهده‌ی شبه‌نظامیان مسلح است. (http://fa.alalam.ir/۱۳۹۳/۳/۲۹) کارلادل پانته^۲ - دادستان کل سوئیس و دادستان سابق جنایت جنگی در یوگسلاوی سابق و بازرس ارشد سازمان ملل در کمیسیون تحقیق بین‌الملل سوریه، اشاره نمود که مخالفان دولت سوریه از سلاح شیمیایی

1 - Akhzar Ebrahim

2 - Carla Del Ponte

استفاده می‌کنند. هرچند کمیسیون تحقیق بین‌الملل به صورت رسمی این گفته را تأیید نکرد.
(2013/5/6, <http://www.bbc.com>)

بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که شبه‌نظامیان چگونه به این سلاح‌ها مجهز شده‌اند؟ بدین ترتیب، می‌توان اشاره نمود که آمریکا در تجهیز شبه‌نظامیان نقشی بسیار پررنگی را ایفا نموده است. در حقیقت، علاوه بر کمک‌های پنهانی انجام شده توسط آمریکا، این کشور ۲۵ میلیون دلار درست در زمانی که کوفی عنان نماینده‌ی سابق ویژه‌ی سازمان ملل در امور سوریه اعلام نمود دمشق با طرح شش ماده‌ای سازمان ملل برای پایان دادن به بحران سوریه به‌ویژه آتش‌بس موافقت کرده است، به دست مخالفان سوریه رساند. بعد از چند ماه هیلاری کلینتون وزیر خارجه‌ی سابق آمریکا در نشست دوستان سوریه از کمک ۴۵ میلیون دلاری واشنگتن به شورشیان سوریه خبر داد، و رسانه‌های غربی چندی بعد از آن از کمک ۱۵۵ میلیون دلاری آمریکا به گروه‌های تروریستی سوریه خبر دادند. دولت اوپاما نیز اعلام نمود در صدد است تحت عنوان کمک‌های دارویی و غذایی بیش از ۱۰ میلیون دلار به‌طور مستقیم به گروه‌های مسلح کمک کند؛ و کاخ سفید نیز اعلام کرد ۳۸۵ میلیون دلار نیز برای کمک به آوارگان و پناهندگان سوریه هزینه کرده است. البته این میزان به غیر از تسلیحاتی است که آمریکایی‌ها پنهانی به دست مخالفان سوریه رسانده‌اند؛ و یا غیر از هزینه‌هایی که نظامیان آمریکا برای آموزش تروریست‌ها در سوریه خرج کرده‌اند. (کائات، ۱۳۹۲/۳/۱۲)

در نتیجه، هنوز اتهام استفاده از سلاح شیمیایی توسط دولت سوریه علیه افراد غیرنظامی و بی‌گناه اثبات نشده بود؛ و از آنجایی که سوریه عضو کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌هایی شیمیایی نبود؛ در نتیجه، داشتن سلاح شیمیایی، این کشور نقض حقوق بین‌المللی و معاهده‌ای نمی‌شد. از سوی دیگر، آمریکا درست زمانی سوریه را متهم به ذخیره‌سازی و استفاده از این سلاح‌ها می‌کند که متحد راهبردی خود (اسرائیل) نیز دارنده‌ی حجم بالایی از این سلاح‌ها می‌باشد. در واقع، رژیم صهیونیستی به‌عنوان منبع سلاح کشتار جمعی غیرمتعارف از جمله سلاح شیمیایی محسوب می‌شود؛ و برای داشتن آزادی عمل و التزام نداشتن به قوانین

محدودکننده‌ی بین‌المللی به عضویت هیچ‌یک از کنوانسیون‌های منع گسترش سلاح‌های بیولوژیک، کنوانسیون منع جنگ‌افزارهای شیمیایی در نیامده است؛ و مانع اصلی بر سر ایجاد خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای می‌باشد. این رژیم بارها از سلاح‌ها شیمیایی و سلاح‌های نامتعارف دیگر علیه لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها استفاده نموده است، اما گویا از نظر آمریکا و کشورهای متحد او این اقدامات نه ناقض کنوانسیون و حقوق بین‌الملل بوده و نه آن‌که حقوق بشری را نقض نموده است.

از سوی دیگر، آمریکا برای نابودی تجهیزات و سلاح‌های شیمیایی سوریه مطابق جدول زمانی ارائه‌شده، محدوده‌ی بسیار کمی را مشخص نموده است و طی یک ضرب‌العجل زمانی خواهان نابودی سلاح‌ها و تجهیزات شده، به طوری که برآورد نموده باید تا اوایل و اواسط ۲۰۱۴ این نابودسازی به اتمام رسیده باشد؛ در حالی که این امر مخالف با روح کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی در ماده‌های ۴ و ۵ می‌باشد.

دو ماده به اضافه‌ی ضمیمه‌ی مربوطه (ضمیمه‌ی راستی‌آزمایی) شامل جزئیات مربوط به انهدام تسلیحات شیمیایی و تأسیسات تولید آنها و نیز بازرسی و تأیید تخریب آنها می‌باشد. انهدام تسلیحات شیمیایی و تأسیسات تولید آنها باید در مدت ده سال به طور کامل به اتمام برسد. در بعضی موارد استثنایی، زمان تخریب می‌تواند حداکثر تا ۵ سال دیگر تمدید گردد و در بعضی موارد، امکان تبدیل تأسیسات تولید تسلیحات شیمیایی به تأسیسات تولیدی با اهداف صلح‌آمیز به گونه‌ای که از عدم تبدیل مجدد آن به تأسیسات تولید تسلیحات اطمینان حاصل شود، وجود دارد. هزینه‌ی بازرسی و تأیید بین‌المللی تخریب تسلیحات شیمیایی و تأسیسات تولیدکننده‌ی آنها به وسیله‌ی کشور مالک پرداخت می‌شود، مگر آن‌که شورای اجرایی سازمان تصمیم دیگری بگیرد. از سویی دیگر، مطابق ماده‌ی ۴ و ۵ کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی که شامل راستی‌آزمایی و جزئیات انهدام تسلیحات شیمیایی است. کشورهای عضو دارنده‌ی سلاح و تأسیسات شیمیایی موظف می‌شوند آنها را ظرف ده سال تخریب نمایند و به صورت استثنا پنج سال دیگر هم تمدید می‌شود. (بلوچی، ۱۳۸۶: ۴۷) این مدت زمانی برای

سوریه در نظر گرفته نشد و آمریکا در صورتی از نابودی سلاح‌ها به فوریت سخن می‌گفت که خود این کشور هنوز بیش‌ترین ذخیره‌ی تسلیحات شیمیایی را داشته و دارد و نه در مدت قانونی و نه حتی در زمان پنج سال تمدیدشده، سلاح‌ها و تأسیسات شیمیایی خود را کاملاً نابود نکرده است.

مطابق مواد مذکور تخریب تأسیسات و سلاح‌های شیمیایی باید در داخل خود کشور و با هزینه‌ی خود آن کشور انجام شود. (بلوچی، ۱۳۸۶: ۴۷) در صورتی که به‌دلیل آن‌که سوریه توان تخریب آنها را نداشته و علاوه بر نداشتن فناوری این کار، توان مالی آن را نیز نداشت، کشورهای غربی با در نظر گرفتن این امر، همچنان محدودیت زمانی بسیار کم‌تری از آنچه را در کنوانسیون پیش‌بینی شده بود، برای تخریب تسلیحات سوریه به این کشور تحمیل نمودند؛ گویا پیش‌بینی نموده بودند که این کار را نیز خود بر دست خواهند گرفت.

در نتیجه، چنین به‌نظر می‌رسد که آمریکا دغدغه‌ای برای رعایت و حمایت از رژیم‌های بین‌المللی را نداشته و آنها را تبدیل به ابزاری در جهت دستیابی به اهداف و توجیه اقدامات غیرقانونی نموده است. مطابق نظریه‌ی نئورئالیستی دولت‌ها که همچنان بازیگران اصلی هستند، تلاش می‌نمایند برای کسب پرستیژ بین‌المللی و عدم تخریب وجه‌ی بین‌المللی خود عضو رژیم‌های بین‌المللی شده و در جلسات آن شرکت نمایند. در حالی که همچنان قدرت ملی، منافع ملی و امنیت ملی در اولویت تصمیم‌گیری‌های‌شان قرار دارد. در نهایت، ایجاد رژیم‌ها برای فائق آمدن بر اقتدارگریزی‌ها و تخفیف اثرات آن بی‌فایده بوده است؛ و اقدام آمریکا در سوریه ناکارآمدی این رژیم‌ها را بیش از پیش به رخ جهانیان کشید؛ زیرا کسب منافع ملی و حمایت از رژیم صهیونیستی متحد راهبردی آمریکا در اولویت اهداف این کشور در عملکردش در سوریه بود که با دستاویز قرار دادن حقوق بشر و حمایت از رژیم خلع سلاح شیمیایی دنبال شد. در نهایت، ثابت شد که آمریکا در پی اهدافی منفعت‌طلبانه در قالب اهداف بین‌المللی در خلع سلاح شیمیایی سوریه ایفای نقش نموده است.

نتیجه‌گیری

آمریکا یکی از مهم‌ترین بازیگران درگیر در بحران سوریه از بدو وجود بحران تا به اوج رسیدن آن یعنی ادعای استفاده از سلاح شیمیایی توسط دولت سوریه بوده است و با اعمال تحریم‌ها و تهدید، به‌ویژه تهدید به حمله‌ی نظامی در صدد اعمال فشار بر دولت سوریه برآمد، اما به‌دلیل مشکلات اقتصادی، و بروز شکاف میان متحدان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا، تجربه‌ی تلخ حمله به عراق، نبود مجوز شورای امنیت، نگرانی از تهدید منابع نفتی در منطقه و تهدید امنیت رژیم صهیونیستی از سوی سوریه از حمله‌ی نظامی به سمت پذیرش طرح روسیه مبنی بر نابودی تسلیحات شیمیایی و عضویت سوریه در کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی سوق یافت. در واقع، هدف اصلی آمریکا از دخالت در بحران سوریه و ایفای نقش اساسی در کنار روسیه، چیزی جز تأمین اهداف و امنیت متحد راهبردی خود (رژیم صهیونیستی) نبود؛ زیرا سوریه از توان بازدارندگی در مقابل این رژیم برخوردار بوده است و با اهداف توسعه‌طلبانه و خشونت‌آمیز رژیم صهیونیستی مخالفت می‌کند و یکی از حلقه‌های مهم محور مقاومت در برابر آن می‌باشد. در نتیجه، آمریکا تلاش نمود با استفاده از ابزارهای رژیم خلع سلاح شیمیایی به‌عنوان یکی از رژیم‌های امنیتی بین‌المللی، فشار اسد را حذف و دولت سوریه را تضعیف نماید و امنیت رژیم صهیونیستی را به‌عنوان جای پای خود در خاورمیانه تضمین نماید. این عملکرد آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در عرصه‌ی بین‌المللی نتیجه‌ای جز تقویت رویکرد نئورئالیستی در درک رژیم‌های بین‌المللی دربر نداشته است؛ زیرا به همگان ثابت نمود که قدرت‌های بزرگ اهداف و منافع خود را ارجح‌تر از منافع بین‌المللی و اصول حاکم بر رژیم‌های بین‌المللی تلقی می‌نمایند و رژیم‌های بین‌المللی چیزی جز ابزار دست قدرتمندان در جهت تأمین اهداف و توجیه عملکردشان نیست. در واقع، قدرت‌های بزرگ از این رژیم‌ها برای توجیه اعمال خود و کسب وجهه‌ی بین‌المللی استفاده می‌نمایند و در پس آن اهداف و منافع ملی خود را پیگیری می‌کنند.

منابع

فارسی

- ۱- گریفیتس، مارتین، "پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل"، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۹۳.
- ۲- عسگرخانی، ابو محمد، "رژیم‌های بین‌المللی"، مؤسسه فرهنگی اطلاعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
- ۳- قاسمیان، روح‌الله، "کنکاش در تحولات سوریه، ریشه‌ها، بازیگران و پیامد، تهران، مؤسسه مطالعات غرب آسیا و آفریقا با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
- ۴- دهقانی، غلامحسین، "رژیم‌های بین‌المللی عدم اشاعه و کنترل صادرات در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی چهل و دوم، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۹۱.
- ۵- بلوجی، حیدرعلی، "کتاب سبز، سازمان خلع سلاح‌های شیمیایی، مرداد ۱۳۸۶.
- ۶- ساعد، نادر، "خلع سلاح شیمیایی سوریه، مبانی چشم‌انداز حقوقی"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره‌ی ۳، پیاپی ۵۵، پاییز ۱۳۹۲.
- ۷- نیاکویی، سیدامیر؛ بهمنش، حسین، "بازیگران معارض در سوریه: اهداف و رویکردها"، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۱.
- ۸- ساجدی، امیر، "بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه"، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، سال ششم، شماره‌ی ۲۴، ۱۳۹۲.
- ۹- شاکریان، شاهرخ، "مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های شیمیایی درباره‌ی همکاری‌های صلح‌آمیز"، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۲.
- ۱۰- رجبی، سهیل، "واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی"، پانزده خرداد، سال دهم، شماره‌ی ۳۴، زمستان ۱۳۹۱.
- ۱۱- ابراهیمی، رحمت، "بررسی نقش بازیگران اصلی ناآرامی‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ سوریه"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲.

- ۱۲- علی‌زاده ساروکلایی، رسول، "بررسی سیاست خارجی یک‌جانبه آمریکا در قبال عراق و سوریه از ۲۰۱۲ تا ۲۰۰۰"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲.
- ۱۳- دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس، "ناظر بر خلع سلاح شیمیایی سوریه"، مهر ۱۳۹۲.
- ۱۴- حق‌شناس، محمدرضا، "مواضع و عملکرد بازیگران مختلف در قبال سوریه"، دیدبان امنیت ملی، پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۱۴، مهر ۱۳۹۲.
- ۱۵- "متن کامل توافق آمریکا و روسیه درباره‌ی سلاح شیمیایی سوریه" (۱۳۹۲/۶/۲۸) قابل دسترسی در:
<http://www.parsine.com/fa/news/152706>
- ۱۶- "ابزار حقوق بشر دوستانه آمریکا، خلع سلاح شیمیایی سوریه"، هیئت تحریریه بین‌المللی مؤسسه مطالعات آمریکا، (۱۳۹۲/۵/۴) قابل دسترسی در:
<http://www.asipress.us/vdci55aq.t1a3q2bcct.txt>
- ۱۷- "افزایش فشارهای بین‌المللی بر سوریه"، قابل دسترسی در:
<http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/1169306820581416806>
- ۱۸- "جزئیات طرح حمله احتمالی آمریکا به سوریه"، (۱۳۹۲/۵/۲۲)، قابل دسترسی در:
<http://www.tabnak.ir/fa/mobile/news/338122>
- ۱۹- "افشای طرح حمله محدود آمریکا به سوریه"، (۱۳۹۲/۱۱/۳۰)، قابل دسترسی در:
<http://fa.alalam.ir/news/1567361>
- ۲۰- "روند پیچیده نابودسازی سلاح‌های شیمیایی در سوریه"، قابل دسترسی در:
<http://persian.euronews.com/2013/09/23/prohibition-of-chemical-weapons-chief-talks-to-euronews>
- ۲۱- شبیری، ا.م، "جنگ در سوریه و دلار"، (۱۳۹۲/۷/۲)، قابل دسترسی در:
<http://archive.mashal.org/content.php?c=bainenmelal&id=02193>
- ۲۲- "آمریکا چقدر برای سرنگونی اسد هزینه کرد"، نشریه کائنات، ۱۳۹۲/۳/۱۲.
- ۲۳- "آمریکا و جنجالی به نام سلاح شیمیایی در سوریه"، تهران امروز، ۱۳۹۱/۵/۲.
- ۲۴- مافی، کنایون، "آمریکا تروریست‌ها را علیه سوریه مسلح کرده است"، با حامد حسن (سفیر سوریه در تهران)، جام‌جم، ۱۳۹۰/۱۱/۵.

انگلیسی

- 25- Krasner, S.D. (ed) (1983) International Regimes, Ithaca Ny: Cornell University Press.
- 26- Jeffrey J. Kirkpatrick, "What Should U.S. Policy Be in Syria?", Council on Foreign Relations, December 12, 2012.

- 27- Feaver, Peter, "US Interests and the Syrian Chemical Weapons Challenge", August 26/2013, <http://foreignpolicy.com/2013/08/26/u-s-interests-and-the-syrian-chemical-weapons-challenge/>
- 28- Lewis, James, "Questions on U.S Russian Framework to Remove Syria's Chemical Weapons", http://armscontrolcenter.org/issues/biochem/q_and_a_us_russia_framework_syria/
- 29- <http://www.wsj.com/articles/mission-to-purge-syria-of-chemical-weapons-comes-up-short-1437687744>.
- 30- <http://www.ghatreh.com> 1392/9/9
- 31- www.un.org
- 32- www.opcw.org
- 33- www.chemical-victims.com
- 34- <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-22424188>.2013/5/6.
- 35- <http://fa.alalam.ir/news/1601108/1393/3/29>.